نشانه‌شناسی شعارهای خیزش مردمی ایران در شهریور ۱۴۰۱

فرشید دلشاد

فشرده:

شعار و شعارآفرینی دارای تاریخی دیرین در فن بیان در ادبیات جهان است. شعار، چونان یک دستگاه بلاغی، پیشینه‌ای دارد به درازای تاریخ پیدایش زبان. شعار، یک نمای گسترده از بزرگ‌ترین نگرانی‌ها، ترس‌ها، ناامیدی‌ها و هم‌چنین خواست‌ها و امیدهای بازگوکنندگان آن را پیش روی ما می‌نهد. شعارها در درازای تاریخ چون نمادهای اجتماعی-سیاسی و فرهنگی، توده‌ها را به سوی کیش‌ها، آیین‌ها و جهان‌نگری‌های گوناگون با یکدیگر همراه ساخته و یا میان آنان جدایی انداخته است. شعارها گاهی خود بدل به ایدئولوژی و دین گردیده‌اند، مایه‌ی پیداش خیزش‌ها، شورش‌ها و انقلاب‌ها شده‌اند و یا دست کم، به این پدیده‌های اجتماعی دامن زده‌اند. شعارها می‌توانند در ساخت‌ها و بافت‌های گوناگونی پدیدار شوند. شعارها را می‌توان «فریاد کشید»، «خواند»، «نوشت»، «نقاشی کرد» و یا حتی «پوشید». شعارها پیوندهای روشنی با کارکردهای اجتماعی، گروهی و فردی برقرار می‌کنند. با این همه، و با وجود ارزشمندی و توانایی تاریخ‌سازی شعارها، تاکنون در چارچوب پژوهش‌های ایران‌شناسی چه در ایران و چه در جهان غرب توجه چندانی به ماهیت بلاغی-بیانی و تأثیرگذاری آن‌ها نشده است. این جستار، به تحلیل زبان‌شناختی و معناشناختی شعارها در خیزش‌های گسترده‌ی ایرانیان علیه جمهوری اسلامی و رهبری آن از شهریور سال جاری تاکنون (دیماه ۱۴۰۱) می‌پردازد.

پیشگفتار

خاورمیانه و به ویژه ایران دارای تاریخی گسترده و نوآورانه در رویکرد به سازه‌های شعاری برای نشان دادن اندیشه‌های گوناگون در جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و همچنین، بازنمود خواست‌ها، دیدگاه‌ها و برجسته کردن آرمان‌های مردمی است. اگر ما تاثیرگذاری شعارها را با نگرش به سنت ادبی جامعه‌های شرقی بررسی نماییم، جامعه‌ای که در آن این ابزار بیانی-بلاغی شکل گرفته و ساخته شده، آن‌گاه این پدیده آشکارتر می‌شود. همان گونه